



Type of Article: Research

Examining America's behavioral pattern in the war against Iraq and Afghanistan and explaining its strategic doctrines for facing the future war

Yaqub Zahdinaseb¹, Abbas Nilforoshan², Ali Fateminaseb³, Mohammad Mardani⁴ and Mohsen Heydarian⁵

Received: 2023/12/11

PP: 47-83

Accepted: 2023/09/15

Abstract

Dealing with the threat and trying to deepen the knowledge and awareness of the characteristics and behavioral framework of the enemy in a possible confrontation is one of the common actions in the armed forces of any country, and it causes the desired and successful performance of military units in conflict situations. The aim of the research is to examine the behavioral pattern of America in these wars and to obtain lessons from it for the future war. This applied research and the method of collecting the required data and information is library and documentary and by using the descriptive-analytical method after conducting theoretical studies, descriptive and inferential statistical analysis using SPSS software, the research question was summarized and finally using From Friedman's test, 35 hypotheses were presented as the enemy's behavioral framework in a possible confrontation with the Islamic Republic of Iran, except in two cases, other hypotheses from the 40-member expert community consisting of commanders and officials of strategic ranks in the Islamic Revolutionary Guard Corps, the Army, and the General Staff of the Armed Forces. It was confirmed. The result is that although the tactics of the Americans in these wars apparently have differences, their behavioral framework at different levels follows almost the same pattern. The main stage of the battle is "air operations" and the infantry (marines) comes into action when it ensures the destruction of the combat power and lack of fighting will of the other side or there is no need to use infantry for ground operations and occupying the territory. In a possible confrontation with the Islamic Republic of Iran, the Americans will pursue the separation of the people from the government as the most important goal in the air battle, which is characterized by the intensity and volume of fire, persistence, simultaneous targeting of military, political, economic centers and infrastructures, and on psychological operations. In order to take away the will to fight, they will focus on influencing the will of the decision makers and most importantly on making the people unhappy.

KeyWords: Knowledge sharing, AJA, social capital, game theory, dynamic

Reference: Zahdi Nesab, Y., Nilforoshan, A., Fatemi Nesab, A., Mardani, M., & Heydarian, M. (2023). Examining America's behavioral pattern in the war against Iraq and Afghanistan and explaining its strategic doctrines for facing the future war. *Strategic management attitude*, 1(4), 47-83. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.30605865.1402.1.4.2.9>

¹ Assistant professor and faculty member of Imam Hossein University (AS). Tehran. Iran.

² Assistant professor and faculty member of Imam Hossein University (AS). Tehran. Iran.

³ PhD student of Strategic Defense Sciences, National Defense University. Tehran. Iran (corresponding author) ali.ngat@chmail.ir

⁴ PhD student of Strategic Defense Sciences, National Defense University. Tehran. Iran.

⁵ PhD candidate in strategic military sciences of the National Defense and Strategic Research Institute.



نوع مقاله: پژوهشی

بررسی الگوی رفتاری آمریکا در جنگ علیه عراق و افغانستان و تبیین آموزه‌های راهبردی آن برای مواجهه با جنگ آینده

یعقوب زهدی نسب^۱، عباس نیلفروشان^۲، علی فاطمی نسب^۳، محمد مردانی^۴ و محسن حیدریان^۵

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰

صص: ۴۷-۸۳

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۴

چکیده

پرداختن به تهدید و تلاش در راستای تعمیق شناخت و آگاهی از ویژگی‌ها و چارچوب رفتاری دشمن در رویارویی احتمالی، از اقدامات متداول در نیروهای مسلح هر کشوری به‌شمار آمده و عملکرد مطلوب و موفق یگان‌های نظامی در شرایط درگیری را موجب می‌شود. هدف تحقیق، بررسی الگوی رفتاری آمریکا در این جنگ‌ها و دستیابی به آموزه‌های حاصل از آن برای جنگ آینده می‌باشد. این تحقیق کاربردی و شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات موردنیاز، کتابخانه‌ای و اسنادی است و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی پس از انجام مطالعات نظری، تحلیل آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار اسپاس، به جمع‌بندی پرسش تحقیق پرداخته شده و در نهایت با بهره‌گیری از آزمون فریدمن، ۳۵ فرضیه به‌عنوان چارچوب رفتاری دشمن در مواجهه احتمالی با جمهوری اسلامی ایران ارائه شد که جز در دو مورد، سایر فرضیات از سوی جامعه خبره ۴۰ نفره متشکل از فرماندهان و مسئولان رده‌های راهبردی در سپاه، ارتش و ستاد کل نیروهای مسلح، مورد تأیید قرار گرفت. نتیجه اینکه اگرچه راه‌کنش تاکتیک آمریکایی‌ها در این جنگ‌ها، ظاهراً تفاوت‌هایی دارد، اما چارچوب رفتاری آنها در سطوح مختلف، تقریباً از یک الگو تبعیت می‌کند. مرحله اصلی نبرد را «عملیات هوایی» تشکیل داده و نیروی پیاده (تفنگدار دریایی) زمانی وارد عمل می‌شود که از انهدام توان رزمی و عدم اراده جنگی طرف مقابل اطمینان حاصل کند یا نیازی به به‌کارگیری نیروی پیاده برای عملیات زمینی و اشغال سرزمین نباشد. آمریکایی‌ها در مواجهه احتمالی با جمهوری اسلامی ایران، در نبرد هوایی که از ویژگی‌های آن شدت و حجم آتش، مداومت، هدف قرار دادن همزمان مراکز نظامی، سیاسی، اقتصادی و زیرساخت‌هاست، جداسازی مردم از حاکمیت را به‌عنوان مهم‌ترین هدف دنبال خواهند کرد و بر عملیات روانی به‌منظور سلب میل جنگجویی، تأثیر بر اراده تصمیم‌گیران و از همه مهم‌تر ناراضی کردن مردم متمرکز خواهند شد.

کلیدواژه‌ها: اشتراک‌گذاری دانش، آجا، سرمایه اجتماعی، نظریه بازی، پویا.

استناددهی (APA): زهدی نسب، یعقوب، نیلفروشان، عباس، فاطمی نسب، علی، مردانی، محمد، و حیدریان، محسن (۱۴۰۲). بررسی الگوی رفتاری آمریکا در جنگ علیه عراق و افغانستان و تبیین آموزه‌های راهبردی آن برای مواجهه با جنگ آینده. *فصلنامه نگرش مدیریت راهبردی*، ۱(۴)، ۴۷-۸۳.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.30605865.1402.1.4.2.9>

^۱ . استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع) . تهران: ایران.

^۲ . استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع) . تهران: ایران.

^۳ . دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی. تهران: ایران (نویسنده مسول) ali.ngat@chmail.ir

^۴ . دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی. تهران: ایران.

^۵ . دانش‌آموخته دکتری علوم راهبردی نظامی دانشگاه عالی دفاع ملی - تهران: ایران.



مقدمه

آمادگی برای مقابله با دشمن، از نظر اسلام موضوعی مشروع است که خداوند در آیات متعددی بر آن تأکید کرده است. وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ «تا می‌توانید در برابر آنها (دشمن) نیرو و اسب‌های آماده (تجهیزات) بسیج کنید تا دشمن خدا و خودتان را به رعب بیندازید».

دفاع در برابر تهاجم، درواقع نیازی فطری است که خداوند آن را نه تنها در انسان، بلکه در خلقت بسیاری از موجودات دیگر (حیوانات و حتی گیاهان) قرار داده است، به گونه‌ای که این موجودات بتوانند با اشکال و ابزار مختلف و اساس اصول اختفاء، استتار، فریب، پوشش، مقاومت و ... به دفاع از حیات خود و دفع تهدید و تهاجم بپردازند. در گذشته‌ای نزدیک، در مناطق پیرامونی ایران یعنی در منطقه غرب آسیا، خلیج فارس و آسیای مرکزی، بیش از ده جنگ به وقوع پیوسته که چهار جنگ آن درست در همسایگی و مجاورت مرزهای جمهوری اسلامی ایران رخ داده است. چنین حوادث و واقعیاتی ایجاب می‌کند موضوع دفاع را بیش‌ازپیش مهم، واقعی و اجتناب‌ناپذیر در نظر بگیریم.

جنگ‌های جدید به دلیل ماهیت فناورانه آن، از پیچیدگی‌های زیادی برخوردار می‌باشند؛ بنابراین آمادگی‌های پیش از ورود به جنگ، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، چرا که به دلیل پُرسد بودن جنگ‌ها و نیز محدودیت زمان، امکان آماده‌سازی در اثناء جنگ فراهم نیست، به عبارت دیگر به هر میزان که از ابهامات صحنه جنگ آینده کاسته شود، به همان میزان بر آمادگی‌های پیش از ورود به جنگ افزوده خواهد شد. استمرار خصومت‌های غرب و حضور گسترده آن در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، این دغدغه و نگرانی را ایجاد کرده که ممکن است این خصومت‌ها و تهدیدات، در آینده به بروز درگیری نظامی مقطعی یا جنگ تمام‌عیار علیه جمهوری اسلامی ایران شود.

حضور آمریکا به عنوان قدرتی سلطه‌طلب در منطقه خلیج فارس، افزون بر علایق و منافع حقیقی این کشور، باید ناشی از مسائل و چالش‌های منطقه‌ای ذکر کرد که در اعصار گذشته، زمینه را برای نفوذ و حضور قدرت‌های جهانی در منطقه به وجود آورده و بازدارندگی را برای جمهوری اسلامی ایران اجتناب‌ناپذیر کرده است. اما ایجاد بازدارندگی و آمادگی مقابله با هجوم قوای مسلح دشمن، الزاماتی دارد. شناخت



شکل‌گیری تهدیدات نظامی، کشف راهبردهای عملیاتی و تبیین راه کارها و تدابیر نبرد و آموزه‌های عملیاتی و رزمی دشمن و این‌که چگونه توانمندی‌هایش را به کار می‌برد، از جمله این الزامات است. این شناخت صرفاً با اتکا بر هوشیاری اطلاعاتی از تحرکات دشمن در منطقه یا آگاهی از وضعیت به دست نمی‌آید، بلکه شناخت آموزه‌ها، باورها و اصول نبرد دشمن نیز جزو الزامات بازدارندگی و مقابله مؤثر می‌باشد که آن را بخش جدانشدنی از دشمن‌شناسی می‌داند.

در این راستا حضور گسترده نظامی آمریکا در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران به بهانه‌های مختلف و استقرار نیروهای فرمانطقه‌ای در پایگاه‌های مستقر در کشورهای حاشیه خلیج فارس، این دغدغه و نگرانی را همچنان حفظ کرده است که ادامه خصومت‌ها و تشدید تهدیدات غرب ممکن است در آینده به بروز درگیری نظامی مقطعی یا جنگ تمام عیار علیه جمهوری اسلامی ایران منجر شود. تداوم درگیری‌ها و تعارضات در منطقه می‌تواند پیامدهای سیاسی-امنیتی و دفاعی ناخواسته و ناخوشایندی را برای کشور در پی داشته باشد. بنابراین به نظر می‌رسد کمبود دانش کافی در تحلیل جنگ‌های اخیر و امکان بروز چالش‌های آینده با رویکرد نوین کشورهای متخاصم که از دید ما پنهان است، تحلیل جامع و هدفمند جنگ‌های اخیر در منطقه به صورت علمی و مدون صورت نگرفته و رویکردهای کلان آمریکا و متحدان آن در جنگ‌های اخیر و چگونگی کاربرد این رویکردها در شناخت جنگ آینده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به خوبی تبیین نشده است. درواقع با وجود آنکه بسیاری از آموزه‌ها و ویژگی‌های جنگ احتمالی آینده، با استفاده از تجارب جنگ‌های گذشته کشف می‌شود، اما همچنان «مهمترین آموزه‌ها و ویژگی‌های تأثیرگذار جنگ احتمالی آینده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران» به صورت جدی و با استفاده از آراء و اندیشه‌های خبرگان نظامی داخلی، به‌طور کامل مشخص نشده است. بنابراین پژوهشگران به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها هستند که ویژگی‌های عملیاتی آمریکا در سه جنگ اخیر علیه عراق و افغانستان چه بوده است؟ رهنامه (دکترین) آمریکا در این جنگ‌ها و آموزه‌های برگرفته از آن، چه بوده است؟ و الگوی رفتاری آمریکا در این جنگ‌ها و آموزه‌های حاصل از آن برای مواجهه با جنگ احتمالی آینده چیست؟



پیشینه و مبانی نظری

پیشینه

غلامرضا نوشادی و همکاران (۱۳۹۲) در طرح پژوهشی با عنوان «دکترین جنگ پیشگیرانه آمریکا در مناطق پیرامونی ج.ا.ایران»، در پاسخ به پرسش اصلی تحقیق که ره نامه جنگ پیشگیرانه آمریکا در مناطق پیرامونی ج.ا.ایران چیست؟، حمله پیشگیرانه را پاسخ به تهدیدی که کمتر فوریت دارد، دانسته و حمله پیشگیرانه به انگیزه ضربه نخست یا ضربه دوم انجام نمی‌شود، اما انجام هرچه زودتر آن ترجیح دارد. معمولاً این امر به آن دلیل انجام می‌شود که انتظار می‌رود تعادل امکانات نظامی به دلیل نرخ رشد متفاوت یا افزایش جنگ‌افزار یا دورنمایی مبنی بر توسعه و دستیابی حریف به یک قابلیت جدید آفندی یا پدافندی، به سود دشمن تغییر یابد. جنگ پیشگیرانه، دارای ماهیتی ترکیبی بوده که با استفاده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی و در نهایت نظامی به دنبال بازپردازش فرایند شکل‌گیری قدرت‌های منطقه‌ای، به گونه‌ای است که منافع مشترک و ملی کشورهای ائتلاف و به‌ویژه آمریکا را تأمین کند.

صادق احمدی، جواد منزوی بزرگی و محسن مرادیان در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تهدیدات نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در دهه آینده ۱۳۹۶»، به بررسی تهدیدات نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در دهه آینده پرداخته‌اند. در پاسخ به پرسش اصلی مقاله، اینکه آمریکا به دلایل متعدد، درگیر مشکلات داخلی و ترمیم چهره دموکراسی خود در جهان و تلاش برای برون رفت از باتلاق برخی کشورهای غرب آسیا از جمله سوریه و عراق بوده و از این‌رو احتمال درگیری و جنگ تمام‌عیار علیه جمهوری اسلامی طی دهه آینده غیرمحمتمل به نظر می‌رسد. بنابراین برای دستیابی به اهداف موردنظر خود از سایر روش‌های نظامی از جمله جنگ نیابتی بهره خواهد برد.

محمدحسین افشردی، شهرام نوروزانی و رضا نوشادی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «کارکرد الگوی بازدارندگی طالبان در جنگ پیشگیرانه آمریکا علیه افغانستان در سال ۲۰۰۱ (با تأکید بر عوامل داخلی افغانستان)»، در پاسخ به پرسش مقاله که کارکرد الگوی بازدارندگی در جنگ پیشگیرانه آمریکا علیه افغانستان در سال ۲۰۰۱ با تأکید بر عوامل داخلی افغانستان چیست؟، تبیین نموده‌اند که با توجه به توانمندی‌های نظامی طرفین،

دو نوع بازدارندگی متقارن و نامتقارن قابل بحث می‌باشد. از دید صاحب نظران، علل ریشه ای بحران افغانستان در دو دسته عوامل داخلی و عوامل خارجی قابل برشماری است. فضایی که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در سطح جهان به وجود آمد، موجب شد تا سیاست خارجی اضطرار، تهدید و اجبار در فضای سیاسی ایالات متحده آمریکا شکل بگیرد.

محمدحسین افشردی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل رهنامه جنگ پیشگیرانه آمریکا در آسیای جنوب غربی» در پاسخ به پرسش مقاله که شناخت رویکرد تهاجمی سال‌های اخیر آمریکا در دهه ابتدایی قرن بیست و یکم در آسیای جنوب غربی چگونه بوده است؟، به زمینه‌ها و عوامل گوناگون اثرگذار در اعمال جنگ پیشگیرانه آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳م، موارد پیش‌رو را با توجه به نظر خبرگان احصاء کرده است: شکاف بین مردم و حکومت و نارضایتی شدید مردم از نظام، ضعف در هویت ملی، عدم درک صحیح از تهدید، اهداف و منافع قدرت‌های خارجی (نفت عراق)، ناتوانی قوای نظامی در دفاع از کشور، اشراف اطلاعاتی پیش از تهاجم، موافق بودن نسبی افکار عمومی جهانی، منطقه‌ای و داخل کشور (به جز برخی کشورهای عربی)، اهمیت ژئوپلیتیکی، ضعف حاکمیت در عین وجود حکومت، عدم اجرای طرح دفاعی مناسب، ضعف نظامی شدید (عدم توازن) در مقابل نیروهای مهاجم، گسترش ناکارآمد ارتش عراق، فقدان عمق راهبردی و روحیه ضعیف نظامیان.

اصغر افتخاری (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «اقدام به جنگ؛ تحلیل الگوی تصمیم‌سازی خارجی آمریکا برای حمله به عراق» در پاسخ به پرسش اصلی که الگوی تصمیم‌سازی آمریکا برای حمله به عراق چگونه بوده است؟، می‌نویسد که اگرچه تصمیم‌های حساس و محوری در سیاست خارجی آمریکا، برعهده شخص رئیس‌جمهور است، اما درک این نکته درخور توجه است که تمامی این تصمیم‌ها مبتنی بر پشتوانه تحلیلی-کارشناسی در ساختار تصمیم‌سازی این دولت می‌باشد. نتیجه آنکه، عمده بازیگران مؤثر در رفتار خارجی این دولت، اعم از شخص بوش و گروه مشاوران وی، وزارت دفاع، تا سطح افکار عمومی داخلی، به نوعی حامی طرح حمله به عراق بوده‌اند. در این میان باید از محیط بین‌المللی به عنوان نامساعدترین عامل یاد کرد که آن نیز در جریان تصمیم‌گیری برای تهاجم نظامی آمریکا به عراق، از سوی دولتمردان این کشور مورد بی‌توجهی واقع شد.



مبنای نظری

مفهوم‌شناسی

جنگ: جنگ، پیش‌برد اهداف سیاسی با استفاده از نیروهای مسلح می‌باشد (نوروزی، ۱۳۸۵: ۲۸۶). درگیری مسلحانه بین دو یا چند کشور با قصد قبولاندن نظارت سیاسی یا اعمال اهداف خود و فعالیت‌های خصمانه در روابط بین دو کشور ظهور کرده و به مرحله عمل می‌رسد (چوبین، ۱۳۸۵: ۲۶).

جنگ آینده: جنگ آینده عبارت از جنگی شناخت‌محور و فناوری‌پایه است که از طریق هم‌افزایی قابلیت‌های دفاعی-امنیتی و اشراف اطلاعاتی در صحنه‌های سیال جغرافیایی و شبکه‌ای به صورت ناهم‌تراز و ائتلافی انجام می‌شود. این جنگ نوعی عملیات تأثیرمحور و غافل‌گیرکننده است که با مداخله مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های بزرگ و استفاده حداقلی از نیروی زمینی با به‌کارگیری گروه‌های فراملی و فروملی به‌منظور شکست راهبردی دشمن و نابودی زیرساخت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و زیست‌محیطی اجرا می‌شود (صالحی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۲).

هرگاه سخن از جنگ آینده می‌شود، زمان مدّ نظر است و این به مفهوم وقوع جنگ در زمانی غیر از زمان حال است. به همین منظور، برخی از کارشناسان نظامی داخلی بر این عقیده‌اند که به جای جنگ آینده، از واژه «جنگ در آینده» استفاده شود، زیرا جنگ در آینده با جنگ‌های گذشته و حال پیوستگی و ارتباط داشته و درواقع ادامه جنگ‌های گذشته و حال است (رستمی به نقل از رشید، ۱۳۹۴: ۵۶).

جنگ آینده، الزاماً تکرار جنگ گذشته به تمامیت آن نیست، بلکه دارای شرایط و ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود می‌باشد. جنگ آینده، برخورد خشونت‌آمیز قدرت‌های ملی دو یا چند کشور، به منظور تحمیل اراده یکی بر دیگری یا جلوگیری از تحمیل اراده دیگری بر خود می‌باشد (سلامی، ۱۳۸۵: ۳۶).

جنگ عراق (جنگ سوم خلیج فارس، ۲۰۰۳)

اصطلاحی برای اشاره به حملات مشترک آمریکا و انگلیس به عراق (۲۰ مارس ۲۰۰۳) است که در پی اخطارهای مکرر به این کشور انجام شد. بهانه دولت‌های مهاجم، انباشت سلاح کشتار جمعی در عراق بود. حملات گسترده آمریکا و انگلیس به سقوط بغداد در

نهم آوریل ۲۰۰۳ و در نهایت فروپاشی رژیم صدام حسین منجر شد (نوروزی، ۱۳۸۵: ۲۹۴).

جنگ و سیر تاریخی آن

جنگ، یکی از پدیده‌هایی است که در جوامع انسانی همواره وجود داشته و در طول حیات بشر، جزئی از زندگی اجتماعی وی را تشکیل می‌داده است، به گونه‌ای که از ۳۴۰۰ سال تاریخ ثبت‌شده جوامع انسانی، فقط ۳۰۰ سال آن بدون جنگ و خونریزی سپری شده است. اندیشمندان اجتماعی درباره پدیده جنگ، اظهارنظرهای گوناگونی کرده‌اند؛ برخی آن را مفید و ضروری و برخی دیگر آن را خشن‌ترین شیوه عمل انسان توصیف کرده‌اند، اما همه این نظریات یک اصل مشترک دارند و آن اینکه جنگ را یک «پدیده طبیعی» در زندگی انسان‌ها در نظر می‌گیرند. تاریخ‌دانان، تاکنون جنگ‌ها را در گروه‌های مختلفی دسته‌بندی کرده‌اند. الوین و هایدی تافلر، به توسعه همزمان تمدن بشری و جنگ اعتقاد دارند و بر این اساس، جنگ را بر مبنای موج‌های رشد و توسعه تمدن بشر به سه نوع تقسیم کرده‌اند. به عبارت دیگر، جنگ در موج کشاورزی را جنگ‌های نسل اول، جنگ در موج صنعتی را جنگ‌های نسل دوم و جنگ در موج اطلاعاتی را جنگ‌های نسل سوم نام‌گذاری کردند (دیوسالار، ۱۳۸۶: ۱۶).

ویلیام لیند با مبنا قرار دادن روند تکامل راه‌کنش (تاکتیک)‌های رزمی و بهره‌گیری از ادبیات انتزاعی توصیفی، جنگ را در قالب چهار نسل طبقه‌بندی کرده است. به اعتقاد لیند، نسل اول جنگ از سال ۱۶۴۸ تا سال ۱۸۶۰ و به مدت ۲۰۰ سال ادامه داشته است. در این دوره، نظم و ترتیب به عنوان یک فرهنگ غالب که نشانه‌های آن در لباس واحد (یونیفرم)، احترام نظامی، درجات نظامی و ... بود، مورد توجه قرار گرفت. نسل دوم جنگ بر پایه قدرت آتش انبوه شکل گرفت. هدف از این نسل جنگ، فرسایش نیروها بود. نسل سوم جنگ بر پایه سرعت عمل، غافلگیری و اختلال فیزیکی و روانی در نیروهای دشمن استوار است. این شیوه راه‌کنشی (تاکتیکی) در جنگ جهانی دوم توسط آلمان‌ها ابداع شد که با عنوان «جنگ مانوری» و «حملات برق‌آسا» نامیده می‌شود. نسل چهارم جنگ، نوع تکامل یافته ناآرامی و شورش فرض شده است که با استفاده از شبکه توانمندی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی، تلاش می‌کند دشمن را متقاعد سازد که جنگ برای او هزینه‌زا بوده و نمی‌تواند به اهدافش دست یابد و بدین



شکل به فرایندهای تصمیم‌گیری او خدشه وارد سازد. مهمترین ویژگی نسل چهارم جنگ‌ها از دیدگاه لیند، از بین رفتن انحصار دولت‌ها در جنگ می‌باشد.

نظریه روس‌ها که بر پایه تفکرات ژنرال ستاد مشترک ارتش روسیه، اسلیپچنکو، طراحی شده است، جنگ را در شش نسل بررسی می‌کند. جنگ‌های اولیه، جنگ‌های مبتنی بر به‌کارگیری باروت و سلاح گرم، جنگ‌های صنعتی بر مبنای رقابت‌های تسلیحاتی، جنگ‌های مکانیزه و جنگ‌های اتمی به ترتیب عناوین نسل‌های اول تا پنجم جنگ نام گرفته و محور جنگ‌های نسل ششم، سه عنصر فناوری، مفاهیم عملیاتی و سازماندهی نیروهای نظامی می‌باشد (یزدان‌فام، ۱۳۸۲: ۳۶-۲۷).

اسناد رسمی بالادستی در آمریکا

نظر به اهمیت اسناد بالادستی که درواقع نقشه‌راه آمریکا در پیشبرد اهداف و برنامه‌های آن، ازجمله اهداف و سیاست‌های آن درباره جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، در این قسمت به چکیده‌ای از آنها اشاره می‌شود:

(۱) سند راهبرد امنیت ملی آمریکا

براساس مصوبه گلدواتر- نیکولز در سال ۱۹۸۶، این سند باید سالانه از سوی دولت به کنگره ارائه شود که شامل ملاحظه‌های اصلی امنیت ملی آمریکا و راه کارهای رئیس‌جمهور برای به‌کارگیری عناصر قدرت ملی به منظور مواجهه مناسب با آنهاست. تا پیش از سال ۲۰۰۰ این سند به صورت سالانه منتشر شده است، اما پس از سال ۲۰۰۰، این سند تاکنون در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ انتشار یافته است. در بخشی از متن سند سال ۲۰۱۰، با عنوان «تحقق ایرانی پاسخگو» آمده است: برای چند دهه جمهوری اسلامی ایران، امنیت منطقه (خاورمیانه) و آمریکا را به‌خطر انداخته است و موفق نشده است که به مسئولیت‌های بین‌المللی خود پایبند باشد. افزون بر برنامه هسته‌ای این کشور که خلاف مقررات بین‌المللی است، تهران همچنان به حمایت از تروریسم و تضعیف صلح میان رژیم صهیونیستی‌ها و فلسطینیان ادامه می‌دهد و حقوق جهانی مردم کشورش را نیز انکار می‌کند. آمریکا به دنبال آینده‌ای است که در آن، ایران به مسئولیت‌های بین‌المللی خود پاسخ گوید (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

(۲) سند راهبرد دفاع ملی آمریکا

این سند توسط وزارت دفاع آمریکا منتشر می شود و مصوبه کنگره را ندارد. دلیل انتشار آن، جداسازی راهبرد از سیاست های دفاعی است. تاکنون از سال ۲۰۰۵ به بعد در دو نوبت منتشر شده است.

(۳) سند راهبرد نظامی ملی آمریکا

سندی که توسط رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا براساس گزارش چهارسالانه دفاعی منتشر شده و مخاطب آن نیروهای مسلح آمریکا می باشند. این سند نسبت به راهبرد دفاع ملی، گستره محدودتری داشته و تحلیل دقیق تری از محیط راهبردی جهان و تهدیدهای منطقه ای و فراملی علیه منافع آمریکا را ارائه می دهد. درواقع چگونگی به کارگیری مؤلفه نظامی را در دستیابی به اهداف نظامی مشخص می کند.

(۴) رهنامه (دکترین) به کارگیری ارتش آمریکا

رهنامه (دکترین) به کارگیری ارتش که در گزارش سالیانه وزارت دفاع به کنگره قابل درک است، در آمریکا به عنوان صورت وضعیت یا بیانیه وضعیت نظامی مشهور است و در ژانویه هر سال به عنوان یک توجیه برای بودجه وزارت دفاع به کنگره ارائه می شود (کرمی، ۱۳۸۵: ۹۴).

(۵) سند ارزیابی تهدیدات سالیانه آمریکا

این سند توسط جامعه اطلاعاتی آمریکا و خطاب به سنای آمریکا (کارگروه اطلاعاتی) و از سوی مدیر اطلاعات ملی تهیه و ارائه می شود. این سند در تصویب طرح ها و لوایح قانونی مرتبط با امور دفاعی، امنیتی، اطلاعاتی و غیره تأثیرگذار است. در این سند به عمده ترین تهدیدات آمریکا و همچنین شرایط مناطق موردعلاقه آمریکا در سطح جهان و برخی از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران به تفصیل می پردازد. در سندی که در دوم فوریه ۲۰۱۰ منتشر شده است، عمده ترین تهدیدات آمریکا، تهدیدات تروریستی به ویژه از سوی القاعده، تهدیدات سلاح های کشتار جمعی، تهدیدات سایبری، تهدیدات امنیتی، تهدیدات اقتصادی، تهدیدات جرائم سازمان یافته و شرایط آب و هوایی و بهداشتی، برشماری و تحلیل شده است (معاونت اطلاعات سپاه، ۱۳۹۳: ۲۱).

(۶) گزارش بررسی های چهارسالانه وزارت دفاع آمریکا

این گزارش توسط ستاد مشترک آمریکا با همکاری بخش های مختلف وزارت دفاع و در خطاب به نیروهای مسلح و سنای آمریکا تهیه و از سوی وزارت دفاع آمریکا منتشر



می‌شود. این گزارش، یکی از مبانی اقدامات، فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های ارتش آمریکا و تصویب قوانین و اعتبارات در کنگره می‌باشد. گزارش بررسی‌های چهارسالانه براساس قانون مصوب مجلس، هر چهار سال یک بار تهیه می‌شود. در این سند ضمن اشاره به تهدیدات آمریکا، شش وظیفه اصلی برای نیروهای مسلح برشماری شده که عبارت‌اند از: دفاع از سرزمین آمریکا، موفقیت در عملیات ضدشورش، آشوب و ضدتروریسم، ایجاد ظرفیت امنیتی برای کشورهای همکار، بازدارندگی و شکست متجاوزان، جلوگیری از اشاعه و مقابله با سلاح‌های کشتار جمعی و اجرای عملیات در فضای سایبری. در گزارش یادشده، از منطقه خاورمیانه و جنوب شرق آسیا به عنوان حوزه‌های حیاتی منافع آمریکا و از ج.ا. و کره شمالی به عنوان نگرانی‌های حوزه سلاح‌های کشتار جمعی نام برده شده است.

(۷) گزارش بازنگری دفاع موشکی بالستیک آمریکا در سال ۲۰۱۰
این گزارش توسط وزارت دفاع آمریکا در فوریه ۲۰۱۰ منتشر شده است. عمده توجه این سند به تهدید متصوره از سوی ج.ا. بوده و راه کارهای برشماری شده بر هدف مقابله با موشک‌های بالستیک ج.ا. متمرکز شده است. برخی از این راه کارها عبارت‌اند از:
تقویت سامانه‌های دفاع موشکی آمریکا در حوزه کشورهای حاشیه خلیج فارس با استقرار سامانه‌های پاتریوت، ناوهای مجهز به سامانه‌های ضد موشکی ایجیس و سامانه دفاع ضد موشکی منطقه‌ای تاد، تلاش در راستای افزایش قابلیت سامانه‌های یادشده از نظر سرعت در کشف، ره گیری دقیق، امکان اصابت موشک در هر سه مرحله مسیر حرکت و دقت در انهدام آن، فروش سامانه‌های یادشده به کشورهای حاشیه خلیج فارس و کمک به آموزش آنها، به کارگیری همه سامانه‌های دفاع ضد موشکی اعم از سامانه‌های آمریکایی و سامانه‌های ضد موشکی کشورهای منطقه در یک سامانه ضد موشکی بالستیک منطقه ای یکپارچه، همکاری با رژیم صهیونیستی در برقراری دفاع ضد موشک بالستیک مشترک منطقه‌ای از جمله استقرار سامانه تاد و همکاری در تولید موشک‌های آرو (گوهری مقدم، ۱۳۹۲: ۱۲۷).

(۸) گزارش بازنگری وضعیت هسته‌ای آمریکا در سال ۲۰۱۰
در مقدمه این سند، فوری‌ترین و سخت‌ترین خطر کنونی برای آمریکا، خطر تروریسم هسته‌ای از سوی القاعده و دیگر هم‌پیمانان افراط‌گرای آن و همچنین گسترش هسته‌ای



صرفاً از طرف کشورهای که با آمریکا و هم‌پیمانان و شرکای آن در تضاد هستند، مطرح شده است. اهداف مهم تهیه سند به شرح زیر برشماری شده است:

ممانعت از گسترش سلاح‌های هسته‌ای و تروریسم هسته‌ای، کاهش نقش سلاح‌های هسته‌ای در راهبرد امنیت ملی آمریکا، حفظ بازدارندگی راهبردی و ثبات سطح قدرت هسته‌ای کاهش‌یافته، تقویت بازدارندگی منطقه‌ای و تضمین به هم‌پیمانان و همکاری آمریکا و حفظ یک زرادخانه هسته‌ای کارآمد و ایمن.

راهبردهای مهم این سند عبارت‌اند از:

آمریکا از استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای علیه کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای که عضو معاهده بوده و به تعهدات منع گسترش پایبندند، دست خواهد کشید؛ آمریکا تنها در مواقع بسیار حساس و به‌منظور دفاع از منافع حیاتی آمریکا، هم‌پیمانان و شرکایش، استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را مجاز خواهد دانست و آمریکا به تقویت قابلیت‌های متعارف خود و کاهش نقش سلاح‌های هسته‌ای برای بازدارندگی در برابر حملات غیرهسته‌ای ادامه خواهد داد (شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

ره‌نامه (دکترین)‌ها و راهبردهای نظامی آمریکا در ادوار مختلف

در تاریخ آمریکا، سیاست‌های خاص اتخاذشده در قبال دیگر کشورها یا مناطق دنیا «ره‌نامه (دکترین)» نامیده شده‌اند و این سیاست‌های خاص جزء یا تابع ره‌نامه‌های وسیع‌تر امنیتی بوده‌اند. در ۲۰۰ سال گذشته، ره‌نامه امنیت ملی آمریکا به روابط و سیاست خارجی این کشور شکل داده است. ره‌نامه‌های امنیت ملی نیز به‌نوبه خود متناسب با شرایط داخلی و اوضاع بین‌المللی دچار تغییر و تحول شده است. سخنرانی خداحافظی واشنگتن، ره‌نامه مونروئه (انزوگرایی)، ره‌نامه ترومن (تلافی گسترده)، ره‌نامه آیزنهاور (تحدید نفوذ)، ره‌نامه کندی-مک نامارا (واکنش انعطاف‌پذیر)، ره‌نامه نیکسون-کیسینجر (استفاده از رژیم‌های طرفدار آمریکا برای مداخله در دیگر مناطق)، ره‌نامه کارتر و ریگان (افزایش پایگاه‌های نظامی و امکانات تسلیحاتی آمریکا در مناطق حساس جهان، ایجاد نیروهای نظامی واکنش سریع، آمادگی آمریکا برای مداخله نظامی گسترده در مناطق مورد تهدید)، ره‌نامه کلینتون (توسعه مداخله‌گرایی آمریکا در سطح جهان و مهار دوجانبه در خاورمیانه) و ره‌نامه بوش پسر (جنگ پیشدستانه) ازجمله این ره‌نامه‌ها در ادوار گذشته می‌باشند. کارشناسان بر این اعتقادند که الزامات اقدامات نظامی آمریکا



در قالب ره نامه جدید و راهبردهای نظامی معاصر و فعلی این کشور برای حمله به هر کشوری، به شرح زیر می‌باشد:

اطمینان از پشتیبانی و حمایت افکار عمومی آمریکا از جنگ، اطمینان از پشتیبانی و حمایت مجالس کنگره و سنا از اقدامات آمریکا، اطمینان از پشتیبانی و حمایت افکار عمومی منطقه‌ای و بین‌المللی از اقدام آمریکا، اطمینان از تشکیل ائتلاف منطقه‌ای و بین‌المللی، رسیدن به اطمینان و اعتماد به کوتاه‌بودن مدت اقدام نظامی، اطمینان به پیروزی قاطع و حتمی و سریع (فرسایشی نشدن جنگ)، اطمینان از تلفات انسانی کم در جنگ، اطمینان از محدود بودن صحنه اقدام نظامی و اطمینان از تأمین هزینه‌های جنگ (رستمی، ۱۳۹۴: ۱۳۸).

ره‌نامه امنیت ملی و نظامی آمریکا پیش از فروپاشی شوروی

فراز و فرود قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای به‌گونه‌ایست که در هر دوره زمانی، کشوری قدرتمند با اراده و برخوردار از توان معنوی و فکری در عرصه بین‌الملل ظاهر می‌شود تا کل نظام بین‌الملل را مطابق با ارزش‌های خود شکل دهد. در قرن هفدهم، فرانسه در زمان صدارت کاردینال ریشلیو بر پایه دولت-ملت، رویکرد نوینی را نسبت به روابط بین‌الملل مطرح کرد که انگیزه و هدف نهایی آن حفظ منافع ملی بود. ویژگی‌هایی که در طول تاریخ خاص ایالات متحده بوده، موجب شده است تا دو دیدگاه متباین از یکدیگر نسبت به سیاست خارجی این کشور به وجود آید. یک دیدگاه مبتنی بر آن است که آمریکا با برقراری کامل دموکراسی در داخل کشور، به بهترین شکل در خدمت ارزش‌های خود بوده و بدین ترتیب به‌عنوان مشعل‌دار بشریت به‌شمار می‌رود و دیدگاه دیگر آن است که ارزش‌های آمریکا این کشور را ملزم می‌سازد برای تحقق آنها در سراسر جهان، مبارزه کند. گرچه این دو رویکرد یعنی انزوای‌گرایی و مشارکت توأم با حرارت و تعصب در عرصه بین‌الملل به ظاهر با هم در تناقض بودند، اما در اصل هر دو بر یک عقیده مشترک تأکید داشتند: مبنی بر اینکه ایالات متحده دارای بهترین نظام حکومتی جهان است و جهان با کنار گذاردن دیپلماسی سنتی و پذیرفتن همان احترامی که آمریکا برای قوانین بین‌الملل و دموکراسی قائل است، به صلح و سعادت می‌تواند دست یابد (کیسینجر، ۱۳۷۹: ۵۱).

ره‌نامه امنیت ملی آمریکا بر پایه امتیازات (هژمونی، امنیت و منافع ملی) و ارزش‌ها (آزادی، دموکراسی و حقوق بشر) با تفوق و اولویت امتیازات بر ارزش‌ها در صحنه عمل، تبیین، طراحی و اجرا می‌شود (امام‌زاده‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

(۱) ره‌نامه مونروئه

اساس ره‌نامه مونروئه، اندیشه «آمریکا برای آمریکاییان» بود. در این ره‌نامه مقرر بود آمریکا ضمن تأکید بر خروج استعمارگران اروپایی از نیمکره غربی، از کشورهای قاره برای کسب استقلال در مقابل استعمارگران حمایت کند. بر این اساس به کارگیری نیروی نظامی در آمریکا تا جنگ جهانی اول، محدود به قاره آمریکا بود و براساس ره‌نامه مونروئه، این قاره حیات خلوت یا به مفهوم روسی آن، «خارج نزدیک» تلقی می‌شد و سیاست کلی ایالات متحده، انزوا از مسائل بین‌المللی بود. با اعلام ره‌نامه مونروئه، دولت ایالات متحده توانست توسعه قاره‌ای خود را کامل و اقتدار خود در قاره آمریکا را تثبیت کند. آمریکا در چارچوب این ره‌نامه با بهره‌گیری از مزیت دوری از صحنه جنگ‌های اروپایی، به تقویت اقتصادی و نظامی خود برای ایفای نقش‌های جدید در سطح جهان پرداخت. این ره‌نامه تا زمان جنگ جهانی دوم، تقریباً مبنای عمل نیروهای نظامی آمریکا بود تا اینکه بار دیگر آمریکا وارد جنگ شد و آن چنان هم درگیر شد که در رأس یک بلوک قدرت قرار گرفت (قاسمی، ۱۳۸۴: ۴۱۷). آمریکا در زیر چتر ره‌نامه مونروئه توانست سیاست‌هایی را دنبال کند که حاصل آن گسترش تجارت و نفوذ در معاملات تجاری، ضمیمه کردن اراضی به قلمروی خود و خلاصه تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ بدون احتیاج به توسل به سیاست‌های قدرت بود (کیسینجر، ۱۳۸۳: ۸۰).

(۲) ره‌نامه ترومن

ره‌نامه ترومن که در سال ۱۹۴۷ اعلام شد، بر حمایت از دولت‌هایی که در مقابل خرابکاری‌های داخلی و خارجی کمونیسم مقاومت می‌کردند، مبتنی بود. این ره‌نامه نخستین گام «سد نفوذ در مقابل کمونیسم شوروی» به‌شمار می‌رود که با هدف ایجاد ارتباط تنگاتنگ میان اروپا و آمریکا با محوریت آمریکا و تحمیل اقتدار و رهبری آمریکا در غرب صورت گرفت. ضمن اینکه ترومن با شعار «با خدمت به دیگران، به خود خدمت کرده‌ایم»، خود را مسئول تأمین امنیت اروپا اعلام کرد. ره‌نامه‌ای که اروپای خسته از



جنگ و ورشکسته مالی و صنعتی، آمادگی پذیرش آن را داشت (برژینسکی، ۱۳۷۹: ۷۱).

(۳) رهنامه آیزنهاور

رهنامه آیزنهاور بر سیاست «سد نفوذ» معروف است و عناصر اصلی این رهنامه (۱۹۶۱-۱۹۵۳) عبارت‌اند از:

حمایت از استقلال کشورهای خاورمیانه در برابر خطر کمونیسم با کمک های اقتصادی و نظامی، تکمیل برنامه های ترومن به ویژه تقویت موقعیت آمریکا در اروپای غربی، تکمیل محاصره شوروی و اجرای سیاست سدنفوذ از طریق گسترش پیمان های نظامی و تکمیل سیاست سد نفوذ با انعقاد پیمان های متعدد و چندجانبه. طی این دوره، پیمان های زیر پا به عرصه گذاشتند:

ناتو (۱۹۴۹) در شمال شامل پانزده کشور اروپای غربی، آنزوس (۱۹۵۱) میان آمریکا، استرالیا و نیوزیلند، سیتو (۱۹۵۴) میان هشت کشور آمریکا، انگلیس، فرانسه، استرالیا، پاکستان، تایلند، فیلیپین و نیوزیلند و پیمان بغداد (۱۹۵۵) میان آمریکا، انگلیس، ایران، ترکیه و پاکستان که بعدها به سنتو، تغییر کرد. در این دوره، آمریکا کوشید اتحاد جماهیر شوروی را در سد نفوذناپذیری محاصره کند. دورانی که مداخله گرایی ایالات متحده را با هدف یک جانبه گرایی (رهبری جهان) نشان می دهد (حسینی، ۱۳۸۳: ۵۲).

(۴) رهنامه کندی - مک نامارا

این رهنامه به عنوان «رهنامه واکنش انعطاف پذیر» شناخته می شود. در چارچوب این رهنامه با زیر سؤال رفتن رهنامه سد نفوذ، آمریکا تحت آموزه های جنگ کره، راهبرد نیروهای تهاجمی محدود را با وجود تیرگی روابط شرق و غرب، در پیش گرفت و راهبرد «بازدارندگی فراگیر و تلافی گسترده» را کنار گذاشت. در این دوران، تولید سلاح ها، موشک ها و کلاهک های هسته ای با هدف برتری مطلق بر شوروی و افزایش توان تهاجم غافلگیرانه آمریکا با جدیت ادامه یافت (دانیل بایمن و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵).

(۵) رهنامه نیکسون - کیسینجر

مهمترین حادثه در دوران نیکسون (۱۹۶۸-۱۹۷۴)، شکست آمریکا در ویتنام بود. تحت تأثیر این پدیده، نیکسون برخی از تعدیل ها را پذیرفت. از جمله اینکه: «آمریکا

نمی‌تواند به‌تنهایی در منازعات بین‌المللی درگیر شود، شکست و عقب‌نشینی ایالات متحده به‌مثابه تنها گذاشتن دوستانش نیست و این کشور می‌تواند با افزایش توان نظامی هم پیمانان خود، از دخالت مستقیم در آنها خودداری کند. در این راستا، حمایت آمریکا در مقابل تهدیدها، مشروط به داشتن نیروی انسانی لازم از سوی کشورهای مورد حمایت اعلام شد». سیاست دوستونی آمریکا در خلیج فارس حاصل این دوران است. با شکست رژیم صهیونیستی از اعراب در سال ۱۹۷۳، سقوط رژیم‌های پرتغال، اتیوپی و یونان و پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، رهنامه نیکسون زیر سؤال رفت (کیسینجر، ۱۳۷۹: ۷۵-۷۱).

(۶) رهنامه کارتر و ریگان

رهنامه کارتر نیز گسترش نفوذ و حضور مستقیم نظامی ایالات متحده در جهان را مورد تأکید قرار می‌داد و بر سه پایه استوار بود:

افزایش پایگاه‌های نظامی و امکانات تسلیحاتی آمریکا در مناطق حساس جهان، ایجاد نیروهای نظامی واکنش سریع و آمادگی آمریکا برای مداخله نظامی گسترده در مناطق مورد تهدید.

در این دوره، سیاست آمریکا تهاجمی‌تر شد و بر خلیج فارس توجه ویژه‌ای مبذول شد. ریگان در پی اثبات برتری مطلق ایالات متحده بود. در این راستا او ضمن اعمال تحریم‌های همه‌جانبه علیه شوروی با طرح جنگ ستارگان، شوروی را در آستانه عجز و فروپاشی قرار داد. با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و پیمان ورشو، زمینه یک‌جانبه‌گرایی مطلق برای ایالات متحده و یکه‌تازی و تحکیم سلطه بر اروپا، ژاپن، خاورمیانه و در مجموع جهان آماده شد. دوره یک‌جانبه‌گرایی جدید با نظریه نظم نوین جهانی بوش پدر آغاز شد و بر نظم قدیم با طرح دفاع راهبردی و مداخلات یک‌جانبه ایالات متحده و فعال کردن پایگاه‌های جنگی و نیروهای واکنش سریع (دوره کارتر) همانند لشکرکشی به پاناما و دستگیری نوریگا و اعزام تفنگداران آمریکایی به سومالی متکی بود که در نهایت به لشکرکشی به عراق در جنگ خلیج فارس انجامید (ثقفی عامری، ۱۳۷۰: ۲۵).

(۷) رهنامه کلینتون (۲۰۰۰-۱۹۹۳)



دموکرات‌ها معمولاً اقتدار و توانمندی ایالات متحده را بیشتر در شکوفایی اقتصادی این کشور جست‌وجو می‌کنند، اما کلینتون که پس از دوران جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روی کار آمد، استمرار قدرت ایالات متحده را در گرو قدرت برتر نظامی این کشور در صحنه بین‌المللی می‌دانست. رهنامه کلینتون، استمرار یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده و پلی میان ایده‌های بوش پدر و بوش پسر بود که اصول آن عبارت‌اند از: در پی فروپاشی شوروی باید توجه نیروهای نظامی آمریکا از اروپای شرقی به خاورمیانه، کانون منافع حیاتی آمریکا، برگردد؛ باید از متحدان آمریکا در جهان خواسته شود در پرداخت هزینه‌های دفاعی (موردنظر آمریکا) بیشتر شرکت کنند؛ بودجه نظامی آمریکا باید تا سطحی کاهش یابد که به قدرت دفاعی این کشور برای حفظ منافع خود آسیب نرساند و ناتو باید حفظ شود و اقمار شوروی سابق بدان ملحق شوند (رمضان زاده، ۱۳۸۶: ۶۷).

(۸) رهنامه نیروی کوبنده

در عملیات توفان صحرا، ژنرال کالین پاول به‌عنوان رئیس ستاد مشترک ارتش، «رهنامه نیروی کوبنده» را مطرح ساخت. منظور از این مفهوم، استفاده از قدرت نظامی به بهترین وجه برای دستیابی به پیروزی قطعی بود (روشن و محمدیان، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

(۹) رهنامه جنگ پیشگیرانه

در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا که از سوی بوش در سال ۲۰۰۲ (متأثر از شرایط پس از واقعه ۱۱ سپتامبر) ارائه شد، ادعا شده که در جهان امروز، واقعیت‌های جدیدی مطرح است که عبارت‌اند از:

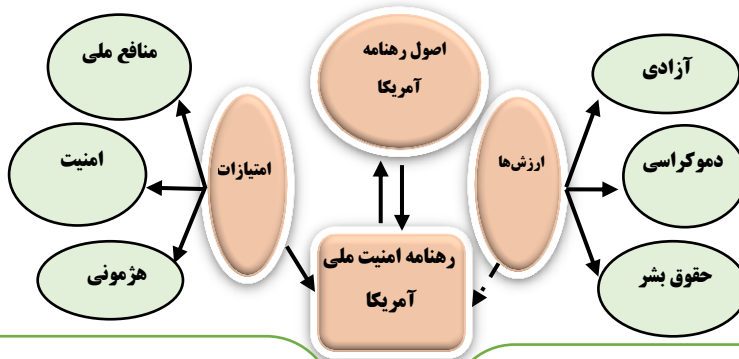
قدرت نظامی برتر آمریکا، سلاح‌های کشتار جمعی و تروریسم. بر اساس این واقعیت‌های جدید، یک سیاست جدید به نام سیاست «پیشگیری» ارائه شده است که به معنای «استفاده از نیروهای نظامی برای جلوگیری از دستیابی یک کشور متخاصم به سلاح‌های کشتار جمعی یا پناه دادن به تروریست‌هاست». بعدها بوش اعلام کرد که آمریکا راهبرد نظامی خود را از «بازدارندگی» که در جنگ سرد مرسوم بود، به «اقدام پیشگیرانه» علیه تروریست‌هایی که به دنبال جنگ‌افزارهای کشتار جمعی هستند، تبدیل می‌کند (یزدان‌فام، ۱۳۸۶: ۱۹).

اصول رهنامه نظامی آمریکا در منطقه جنوب غرب آسیا (خاورمیانه)

-توجه و تقویت نیروهای واکنش سریع در منطقه به منظور اجرای طرح‌های تهاجمی علیه اهداف موردنظر، اجرای عملیات هوایی و موشکی سریع، قاطع و شکننده علیه مراکز ثقل حریف به منظور ساقط نمودن توان رزمی کشور مخالف در منطقه، اجرای عملیات بازدارنده علیه مراکز حساس نظیر حمله به راکتورهای اتمی، افزایش امنیت نظامی به منظور دفاع از رژیم صهیونیستی و هم‌پیمان‌های خود در منطقه، بهره‌گیری از امکانات اطلاعاتی (ماهواره، رادارها و ...)، حمایت سیاسی - نظامی از تهدیدات احتمالی نیروهای نظامی کشورهای متخاصم علیه ج.ا.ایران، اجرای رزمایش‌های نظامی مستقل یا مشترک در منطقه، حمله نظامی همه‌جانبه علیه ج.ا.ایران در صورت مساعد بودن شرایط و اعمال فشار سیاسی و اقتصادی بر کشورهای طرف قرارداد خریدهای نظامی ایران به منظور کنترل توان نظامی ج.ا.ایران (کیاپاشا، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

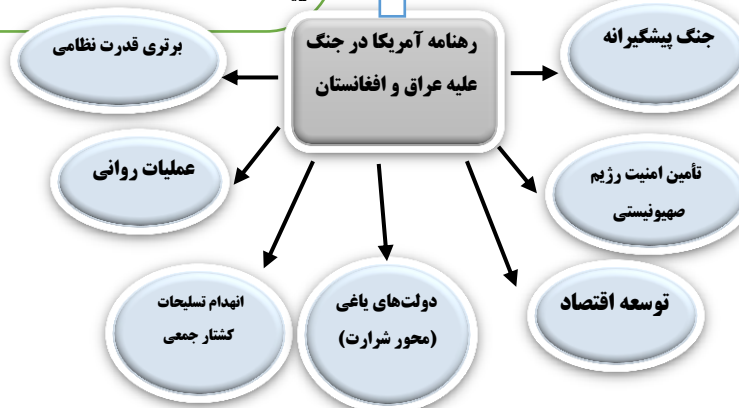
ویژگی‌های جنگ محتمل آینده

در ارتباط با ویژگی‌های عمومی و بارز جنگ آینده، دیدگاه‌ها و نظرات اندیشمندان حوزه ادبیات نظامی، متفاوت است. نکته قابل توجه در این مورد، این است که عمده این ویژگی‌ها، از ادبیات نظامی آمریکایی‌ها و به‌ویژه پس از پایان جنگ سرد و از ادبیات جنگ‌های معاصر (جنگ نفت، جنگ بالکان، جنگ سلطه، جنگ افغانستان، جنگ ۳۳ روزه و ...) منبعت شده است. هر کدام از این اندیشمندان، ابعادی از ویژگی‌های جنگ‌های آینده را در آثار دفاعی و نظامی خود مطرح کرده‌اند که در بیشتر موارد، مشابه هم بوده یا تفاوت‌های اندکی با هم دارند. در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود. یادآوری می‌شود که واژه دسته‌بندی در اینجا، از جهت دسته‌بندی این ویژگی‌ها در آثار موجود است، و گرنه بسیاری از این موارد، در منابع متعددی و از قول کارشناسان داخلی و خارجی متعددی به صورت مشابه یا متفاوت تبیین شده‌اند. یک نظریه کلی در مورد جنگ آینده وجود دارد که معتقد است همه بازیگران احتمالی جنگ آینده، برای ادامه بقا در فضای رزم آینده، باید دارای چهار اصل یا ویژگی عمده باشند یا باید چهار ابزار را به خدمت بگیرند: ۱. تفکر تأثیرمحور، ۲. الگوی رفتاری شبکه‌محور، ۳. ساختار انعطاف‌پذیر و پیچیده و ۴. ترکیب خلاقانه فناوری‌های نرم و سخت (محمدی‌نجم، ۱۳۸۷: ۱۲۵).



– اشراف اطلاعاتی با قابلیت تبدیل به برتری اطلاعاتی
– تغییر به هنگام محیط عملیاتی با استفاده از عملیات پیشگیرانه و پیش دستانه
– دور ایستایی و اجرای آتش دقیق از دور دست
– حمله به عمق منطقه نبرد
– بهره‌برداری از فناوریهای برتر نظامی در جنگ
– توانایی ایجاد جبهه‌ای آفندی در مناطق عمیق به دلیل برخورداری از قدرت پشتیبانی هوایی
– تحرک و سرعت عمل و امکان سیال سازی محیط رزم
– توانایی انجام حملات سریع و مقطعی به اهداف استراتژیک در عمق برای درهم زدن تعادل روانی حریف
– توانایی در عملیات مستمر شبانه با استفاده از فناوریهای جدید دید در شب
– برتری در نیروی هوایی به طور مستمر و گسترده در حجم بالا

– حمله به توانمندی‌های راهبردی و مراکز نقل دشمن
– تهاجم هوایی و موشکی دقیق
– هواپایه و دریا پایه بودن تهاجم
– عملیات پر شدت و متمرکز (گریز از فرسایشی شدن جنگ)
– دقت هدف گیری
– درگیری همزمان در سطوح سه گانه و کاهش فواصل سطوح
– انجام عملیات تأثیر محور با تمرکز بر مراکز نقل کشور (عراق)
– توان انجام عملیات روانی در سطح گسترده با بهره گیری از ابراز متفاوت (ماهواره ...)
– اجرای عملیات آفندی غیر خطی عمیق از هوا و زمین
– جنگ الکترونیک به منظور مختل نمودن سیستم‌های ارتباطی و فرماندهی و کنترل



شکل ۱: اصول رهنامه امنیت ملی آمریکا

روش‌شناسی

این تحقیق از لحاظ نوع، توسعه‌ای بوده و با رویکرد آمیخته و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. جامعه آماری برای این تحقیق که به صورت تمام‌شمار به آنان رجوع شده است، درمجموع ۴۰ نفر برآورد شده‌اند که متشکل از فرماندهان و مسئولان رده‌های راهبردی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش جمهوری اسلامی ایران و ستاد کل نیروهای مسلح بودند. روش گردآوری اطلاعات، مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی میدانی شامل مصاحبه و پرسش‌نامه است.

روایی: برای تعیین روایی محتوایی از ضریب لاوشه استفاده می‌شود. این یک آزمون از قضاوت متخصصان درباره اینکه پرسش‌های آزمون تا چه میزان معرف محتوا و هدف‌های پژوهش یا حوزه محتوایی هستند، می‌باشد (گروه مطالعاتی دوره دوم مدیریت راهبردی پدافند غیرعامل، ۱۳۹۴: ۲۱۳).

$$C.V.R = \frac{NE - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

$C.V.R$ = ضریب لاوشه

Ne = تعداد متخصصانی که گزینه مهم و مرتبط را برای پرسش انتخاب کرده‌اند.

N = تعداد کل متخصصان

با توجه به اینکه تعداد خبرگان و نظردهندگان برای ارزیابی اولیه ۲۰ نفر بودند، برای روایی بالا، مقدار قابل قبول ضریب، بالاتر از ۰/۷ مدنظر قرار گرفت. بنابراین گویه‌های که دارای ضریب کمتر از مقدار مزبور بودند، حذف می‌شدند. این بدان معناست که برای تأیید هر گویه، حداقل ۱۷ نفر از ۲۰ نفر صاحب‌نظر، باید آن گویه را تأیید کنند که این امر افزون بر ضریب اطمینان بسیار بالا، دارای منطق علمی نیز می‌باشد. در کل برابر محاسبات انجام شده، تمام ۳۵ گویه پرسش‌نامه تأیید شدند. پس از تأیید عوامل، پرسش‌نامه بین جامعه آماری ۴۰ نفر (با مدنظر قرار دادن ویژگی‌های جامعه آماری) توزیع شد.

پایایی: برای پایایی پرسش‌نامه نیز از آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ یک نوع ضریب پایایی است که نشان می‌دهد چگونه اجزای یک مجموعه به



نحو مناسب به یکدیگر همبسته شده‌اند. هرچه آلفای کرونباخ به یک نزدیک باشد، پایایی بیشتر است (خلیلی شورینی، ۱۳۹۱: ۲۲۱). در این فرمول

$$r_a = \frac{k}{k-1} \left[1 - \frac{\sum s_t^2 k}{\sum s_t^2} \right]$$

K = تعداد پرسش‌های پرسش‌نامه

$s^2 k$ = واریانس پاسخ‌های همه آزمودنی‌ها به پرسش k ام

s_t^2 = واریانس جمع نمره‌های هر پاسخگو

ra = ضریب پایایی کرونباخ که باید بیشتر از ۰/۷۵ باشد (همان).

جدول ۱. مقدار ضریب پایایی محاسبه شده

آمار قابلیت اطمینان

آلفای کرونباخ	تعداد
۰.۸۸۶	۲۶

با توجه به اینکه مقدار ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده بیشتر از ۰/۷۵ است، بنابراین گویه‌های پرسش‌نامه مورد استفاده، از قابلیت اطمینان لازم برای ادامه تحقیق برخوردار بوده است. در تحلیل داده‌ها از روش آمارهای توصیفی و استنباطی و نرم‌افزار اسپاس اس استفاده شده است که در نهایت با استفاده از آزمون خی دو، تعیین سطح معناداری (ضریب اطمینان ۹۵ درصد با خطای حداکثر زیر ۵ درصد) عمده‌ترین چارچوب رفتار آمریکایی‌ها در تهاجم نظامی احتمالی علیه ج.ا. ایران احصاء شد.

یافته‌های تحقیق

تحلیل کیفی با بهره‌گیری از مصاحبه با صاحب‌نظران:

به منظور تکمیل اطلاعات لازم پیرامون جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش، پژوهشگران با شماری از صاحب‌نظران و خبرگان، مصاحبه کردند و این پرسش مطرح شد که مهمترین ویژگی‌های عملیاتی آمریکا در سه جنگ اخیر علیه عراق و افغانستان و ره‌نامه آمریکا در این جنگ‌ها چه بوده است که جمع‌بندی نظرات مصاحبه‌شوندگان به شرح ذیل است:

حمله به توانمندی‌های راهبردی و مراکز ثقل دشمن، تهاجم هوایی و موشکی دقیق، هوایپاه و دریایپاه بودن تهاجم، دقت هدف‌گیری، درگیری همزمان در سطوح سه‌گانه و کاهش فواصل سطوح، انجام عملیات تأثیرمحور با تمرکز بر مراکز ثقل کشور (عراق)،



توان انجام عملیات روانی در سطح گسترده با بهره‌گیری از ابزار متفاوت (ماهواره ...)، جنگ الکترونیک به منظور مختل نمودن سیستم‌های ارتباطی و فرماندهی و کنترل، اشراف اطلاعاتی با قابلیت تبدیل به برتری اطلاعاتی، تغییر به هنگام محیط عملیاتی با استفاده از عملیات پیشگیرانه و پیش‌دستانه، دور ایستایی و اجرای آتش دقیق از دوردست، حمله به عمق منطقه نبرد، بهره‌برداری از فناوری‌های برتر نظامی در سطوح جنگ، توانایی ایجاد جبهه‌های آفندی در مناطق عمیق به دلیل برخورداری از قدرت پشتیبانی هوایی، تحرک و سرعت عمل و امکان سیال سازی محیط رزم، توانایی انجام حملات سریع و مقطعی به اهداف راهبردی در عمق برای برهم‌زدن تعادل روانی حریف، توانایی در عملیات مستمر شبانه با استفاده از فناوری‌های جدید دید در شب و برتری در نیروی هوایی به‌طور مستمر و گسترده در حجم بالا.

تحلیل کمی با بهره‌گیری از اطلاعات جمع‌آوری‌شده از طریق پرسش‌نامه در پرسش‌نامه از جامعه خبره سؤال شد که به نظر جناب عالی، الگو و چارچوب رفتاری آمریکا در این جنگ‌ها چیست؟ در تحلیل کمی با بهره‌گیری از اطلاعات جمع‌آوری‌شده از طریق پرسش‌نامه، از ۳۵ مؤلفه الگوی رفتاری، به غیر از دو مؤلفه، سایر مؤلفه‌ها مورد تأیید جامعه خبرگی قرار گرفت.

جدول ۲. چارچوب رفتاری آمریکایی‌ها در تهاجم نظامی علیه ج.ا.ایران

ردیف	طیف و درصد فراوانی گویه	نوع	ح	مقدار	زیاد	خیلی زیاد	رتبه
۱	جلوگیری از ادامه فعالیت‌های هسته‌ای ج.ا.ا، می‌تواند مهم‌ترین بهانه برای تهاجم نظامی علیه ج.ا.ا باشد، اما آمریکایی‌ها می‌توانند هر موضوع دیگری را به یک خواست جهانی، تبدیل و برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات خود علیه ج.ا.ا بهانه کنند	%۰	%۲/۲	%۱۶	%۴۳/۲	%۳۸/۶	۱۰۰۰



ردیف	طیف و درصد فراوانی گویه	ضعیف	ج	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کل
۲	انجام عملیات محدود رژیم صهیونیستی علیه ایران و پاسخ‌های کوبنده ج.ا.ا. می‌تواند بهانه لازم را در اختیار دولتمردان آمریکایی برای ورود به معرکه جنگ با ج.ا.ا. قرار دهد	%۲/۲	%۰	%۳۱/۸	%۳۸/۷	%۲۷/۳	۱۰۰۰
۳	چشم‌انداز شرایط حاکم بر نظام بین‌المللی، حاکی از آن است که آمریکایی‌ها با تکیه بر قدرت برتر نظامی، سیاسی، اقتصادی و .. همچنان به دنبال تحقق هژمونی خود می‌باشند و در ساختار بین‌المللی، مانعی جدی برای آنها متصور نیست	%۲/۲	%۴/۵	%۲۵	%۴۵/۵	%۲۲/۸	۱۰۰۰
۴	آمریکایی‌ها براساس رهنامه عملیات پیشگیرانه و معرفی ج.ا.ا. به‌عنوان تهدیدی برای امنیت جهانی، اقدام نظامی مستقیم علیه ج.ا.ا. را پایه‌ریزی می‌کنند.	%۲/۲	%۴/۵	%۲۷/۳	%۴۵/۵	%۲۰/۵	۱۰۰۰
۵	تهاجم نظامی به ج.ا.ا. الزاماً به اخذ مجوز از شورای امنیت سازمان ملل متحد نیاز دارد	%۰	%۱۸/۲	%۳۴	%۲۷/۳	%۲۰/۵	۱۰۰۰
۶	آمریکا به‌منظور اقدام نظامی علیه ج.ا.ا. موفق به اخذ مجوز از سازمان ملل متحد خواهد شد	%۲/۲	%۱۳/۶	%۲۰/۵	%۴۱	%۲۲/۷	۱۰۰۰



ردیف	طیف و درصد فراوانی گویه	ضعیف	ج	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	رک
۷	اقدامی مؤثر و تعیین کننده از سوی کشورهای چین و روسیه، برای ممانعت از صدور قطعنامه مجوز عملیات نظامی شورای امنیت سازمان ملل علیه ج.ا.ا، متصور نیست	%۱۱/۴	%۲۰/۵	%۳۱/۸	%۳۴/۱	%۲/۲	۱۰۰۰
۸	در تهاجم نظامی به ج.ا.ا، افکار عمومی جهان (به ویژه جهان اسلام) در حمایت از ج.ا.ا و علیه متجاوزان خواهد بود.	%۰	%۱۵/۹	%۱۵/۹	%۴۷/۷	%۳۱/۹	۱۰۰۰
۹	آمریکا به تنهایی وارد جنگ با ج.ا.ا نخواهد شد و در قالب یک ائتلاف بین المللی عمل خواهد کرد.	%۰	%۲/۳	%۲۲/۷	%۳۸/۷	%۳۶/۳	۱۰۰۰
۱۰	ائتلاف علیه ج.ا.ا صرفاً برخی کشورهای اروپایی پیمان ناتو را شامل می شود.	%۲/۳	%۰	%۲۰/۵	%۴۷/۷	%۲۹/۶	۱۰۰۰
۱۱	کشورهای اسلامی جهان، به صورت رسمی در ائتلاف علیه ج.ا.ا شرکت نخواهند کرد	%۰	%۱۱/۳	%۲۹/۵	%۴۱	%۱۸/۲	۱۰۰۰
۱۲	آمریکا مانع حضور رسمی رژیم صهیونیستی در ائتلاف علیه ج.ا.ا خواهد شد	%۴/۵	%۲/۲	%۲۷/۳	%۴۳/۲	%۲۲/۸	۱۰۰۰
۱۳	در تهاجم آمریکایی ها علیه ج.ا.ا، کشورهای همسایه، به صورت رسمی با متجاوزان همکاری نخواهند کرد، اما مهاجمان بدون کسب اجازه از کشورهای همسایه، از فضای این کشورها در عملیات علیه ج.ا.ا استفاده می کنند	%۰	%۴/۵	%۲۲/۷	%۴۷/۸	%۲۵	۱۰۰۰



فصلنامه نگرش مدیریت راهبردی سال ۱ / شماره ۴ (۴) / زمستان ۱۴۰۲

یعقوب زهدی نسب، عباس نیلفروشان، علی فاطمی نسب، محمد مردانی و محسن حیدریان
بررسی الگوی رفتاری آمریکا در جنگ علیه عراق و افغانستان و تبیین آموزه‌های
راهبردی آن برای مواجهه با جنگ آینده

ردیف	طیف و درصد فراوانی گویه	ضعیف	ج	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کل
۱۴	شروع عملیات هوایی آمریکایی‌ها با هواپیماهای راهبردی و عمده عملیات موشکی آنها، دریاپایه می‌باشد، بنابراین حتی‌الامکان در موج اول، از پایگاه‌های خود در کشورهای همجوار برای حمله به ج.ا. بهره‌برداری نخواهند کرد.	٪۰	٪۴/۵	٪۲۲/۷	٪۴۷/۸	٪۲۵	۱۰۰۰
۱۵	استفاده آمریکایی‌ها از پایگاه‌هایشان در کشورهای همسایه، تابع ملاحظات است که به شرایط و تحولات صحنه جنگ، از جمله اقدامات واکنشی ج.ا. برمی‌گردد	٪۲/۲	٪۰	٪۱۱/۴	٪۵۰	٪۳۶/۴	۱۰۰۰
۱۶	آمریکایی‌ها برخلاف رویه عملیاتی‌شان، برای حمله به ج.ا. به غافلگیری نیازمند می‌باشند، از این رو تهاجم به ج.ا. بدون تعیین ضرب‌الاجل خواهد بود	٪۲/۲	٪۱۳/۶	٪۴۱	٪۲۵	٪۱۸/۲	۱۰۰۰
۱۷	از آنجایی که حمله به ج.ا. نیازمند تحقق الزاماتی در سطح منطقه و جهان است، بنابراین قابل پیش‌بینی می‌باشد و غافلگیری راهبردی برای ج.ا. متصور نیست.	٪۰	٪۴/۶	٪۲۲/۷	٪۴۷/۷	٪۲۵	۱۰۰۰



ردیف	طیف و درصد فراوانی گویه	ضعیف	ج	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	رک
۱۸	اجرای عملیات سنگین و پُرحجم هوایی و موشکی علیه اهداف حیاتی و مهم، همراه با اغتشاش و درگیر کردن نظام در یک بحران داخلی و نیز جنگ شناوری و موشکی در دریا، می‌تواند سناریوی محتمل تهاجم نظامی آمریکایی‌ها علیه ج.ا.ا باشد.	%۲/۲	%۰	%۱۳/۷	%۳۱/۸	%۵۲/۳	۱۰۰۰
۱۹	ویژگی‌های منحصربه‌فرد ج.ا.ا شامل: رهبری مقتدرانه ولی فقیه، موقعیت ژئوپلیتیک، گستردگی و وسعت سرزمین، انسجام و یکپارچگی ملت با حاکمیت، توانمندی‌ها و قابلیت‌های واکنشی، جایگاه منطقه‌ای ج.ا.ا و ... موجب شده است تا تهاجم سراسری و به‌کارگیری نیروی زمینی گسترده علیه ج.ا.ا، با ملاحظات زیادی همراه باشد که تحقق آنها به زمان نسبتاً طولانی نیازمند است و در حال حاضر منتفی است	%۰	%۲/۲	%۹/۱	%۴۰/۹	%۴۷/۷	۱۰۰۰
۲۰	عملیات نظامی آمریکا علیه ج.ا.ا، گام‌های مختلفی داشته و با توجه به شرایط صحنه جنگ از جمله کیفیت اقدامات واکنشی ج.ا.ا، مرحله‌بندی شده و گسترش خواهد یافت	%۰	%۴/۵	%۲۰/۵	%۴۵/۵	%۲۹/۵	۱۰۰۰



ردیف	طیف و درصد فراوانی گویه	ضعیف	ج	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کل
۲۱	تفاوت در گام‌ها و مراحل عملیات هوایی آمریکایی‌ها، در تعداد و نوع اهداف و گستره عملیاتی می‌باشد، اما در همه گام‌ها، عملیات پُرشدت خواهند بود (تفاوتی در شدت حمله به اهداف، در گام اول با گام‌های بعدی نیست و تماماً پُرشدت می‌باشند).	٪۰	٪۲/۲	٪۱۶	٪۴۳/۲	٪۳۸/۶	۱۰۰۰
۲۲	تعیین تکلیف حزب‌الله لبنان به‌منظور کوتاه کردن دستان بلند ج.ا.ا در منطقه و کاستن از قدرت واکنشی ج.ا.ا، می‌تواند مقدمه‌ای برای تهاجم نظامی به‌شمار آید	٪۰	٪۴/۵	٪۲۲/۷	٪۳۶/۴	٪۳۶/۴	۱۰۰۰
۲۳	فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) به صورت چشمگیری فعال می‌شود	٪۰	٪۴/۵	٪۲۰/۵	٪۴۵/۵	٪۲۹/۵	۱۰۰۰
۲۴	ناوهای هواپیمابر و بالگردان‌بر آمریکایی‌ها از خلیج فارس خارج و در آب‌های آزاد دوردست‌تر قرار می‌گیرند.	٪۰	٪۴/۵	٪۲۹/۵	٪۴۵/۵	٪۲۰/۵	۱۰۰۰
۲۵	زیرساخت‌ها و الزامات برای آغاز عملیات نظامی آمریکایی‌ها با تکیه بر حملات هوایی و موشکی (بدون تعرض زمینی) به ج.ا.ا، در منطقه فراهم است و نیاز به صرف زمان طولانی برای آماده‌سازی نیست	٪۰	٪۱۳/۶	٪۱۵/۹	٪۴۵/۵	٪۲۵	۱۰۰۰

ردیف	طیف و درصد فراوانی گویه	ضعیف	ج	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کل
۲۶	اگرچه جغرافیا همواره به‌عنوان عامل تعیین‌کننده در تاریخ جنگ‌ها به‌شمار می‌رود، اما برای آمریکایی‌ها که از فناوری‌های نظامی و قابلیت‌های رزمی بالایی برخوردارند، عوامل جغرافیایی نمی‌تواند محدودیت‌های جدی و ناتوان‌کننده‌ای را در اجرای عملیات، برای آنها ایجاد کند	%۲/۲	%۱۵/۹	%۴۳/۲	%۲۹/۵	%۹/۲	۱۰۰۰
۲۷	افزون‌بر مراکز هسته‌ای (که عمده‌ترین اهداف مورد ادعای آمریکایی‌ها خواهد بود)، سامانه‌های فرماندهی و کنترل، سامانه‌های راداری، پدافند هوایی و سامانه‌های موشکی نیز به‌منظور کاستن از قدرت واکنش ج.ا.ا، در اولویت‌های اول اهداف هوایی و موشکی دشمن (برای گام اول عملیات) قرار خواهند داشت	%۰	%۰	%۱۵/۹	%۳۴/۱	%۵۰	۱۰۰



ردیف	طیف و درصد فراوانی گویه	ضعیف	ج	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کل
۲۸	در تهاجم نظامی علیه ج.ا.ا، حمله به زیرساخت‌های شهری شامل آب، برق، تلفن، گاز و ... به منظور تضعیف اراده ملی، کاهش آستانه تحمل مردم و ایجاد نارضایتی‌های داخلی از اهداف اصلی آمریکایی‌ها (در صورت ورود به گام‌های بعدی و گسترش دامنه جنگ) خواهد بود و درصد چشمگیری از این زیرساخت‌ها، در خلال حملات هوایی و موشکی، غیرعملیاتی شده و از مدار خدمات، خارج خواهند شد	%۲/۲	%۱۳/۶	%۴۱	%۲۵	%۱۸/۲	۱۰۰۰
۲۹	آمریکایی‌ها اگرچه ممکن است با ابهاماتی از قدرت واکنشی ج.ا.ا مواجه باشند، اما به دلیل برخورداری از فناوری‌های مدرن، برای اجرای عملیات هوایی و موشکی علیه اهداف موردنظرشان در داخل کشورمان، دارای اشراف اطلاعاتی نسبتاً مطلوبی می‌باشند	%۰	%۲/۲	%۱۱/۴	%۵۶/۸	%۲۹/۶	۱۰۰۰

ردیف	طیف و درصد فراوانی گویه	ضعیف	ع	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کل
۳۰	عملیات روانی به منظور همسوسازی افکار عمومی داخلی و خارجی در راستای مشروع سازی تهاجم، در قالب روش های گوناگون و متنوع و برای گروه های مختلف هدف، اجرا خواهد شد که پیام مسالمت آمیز به مردم ایران برای تحریک آنها به واکنش های سیاسی- اجتماعی، از جمله مهم ترین آنها می باشد	۰٪	۲/۳٪	۲/۳٪	۳۱/۸٪	۶۳/۶٪	۱۰۰۰
۳۱	جداسازی مردم از حاکمیت، جزو اصول عملیاتی دشمن می باشد، بنابراین تلاش خواهد کرد تا در حین جنگ، با شیوه های مختلف، مردم را از صحنه حمایت از نظام ج.ا. خارج کند	۰٪	۲/۳٪	۴/۵٪	۲۵٪	۶۸/۲٪	۱۰۰۰
۳۲	بخش عمده و تأثیرگذاری از مردم ایران به عنوان عنصری تعیین کننده در صحنه مقابله با دشمن، حضوری فعال خواهند داشت، اما عملیات هوایی و موشکی پُرشدت و هدفمند آمریکایی ها، به مرور زمان موجب بروز نارضایتی هایی در بخشی از جامعه ایران می شود	۰٪	۹/۱٪	۳۴/۱٪	۳۸/۶٪	۱۸/۲٪	۱۰۰۰
۳۳	آمریکایی ها همزمان با آغاز عملیات سنگین هوایی و موشکی، اشرار و گروه های مسلح مخالف نظام را سازماندهی و پشتیبانی خواهند کرد تا نظام را در درون مشغول سازند.	۰٪	۲/۳٪	۹/۱٪	۴۰/۹٪	۴۷/۷٪	۱۰۰۰



ردیف	طیف و درصد فراوانی گویه	توضیح	ج	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	رک	
۳۴	آغاز سه جنگ در ماه‌های ابتدایی سال میلادی، می‌تواند به‌عنوان یک رویه در نظام تصمیم‌گیری آمریکایی‌ها مورد توجه قرار گیرد و تهاجم به ج.ا.ا نیز ممکن است در ماه‌های ابتدایی سال میلادی باشد.		٪۱۳/۶	٪۴۱	٪۳۸/۶	٪۶/۸	٪۰	۱۰۰۰
۳۵	عملیات نظامی علیه ج.ا.ا به دلیل شرایط خاص ج.ا.ا و اراده ملی برای مقاومت، در مقایسه با جنگ‌های مشابه، مدت زمان بیشتری را به خود اختصاص داده و درنهایت به بن‌بست نظامی خواهد رسید.		٪۰	٪۶/۸	٪۳۶/۴	٪۴۰/۹	٪۱۵/۹	۱۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش اول که ویژگی‌های عملیاتی ارتش آمریکا در سه جنگ عراق و افغانستان چه بوده است؟ نتایج حاصل عبارت‌اند از: انعطاف‌پذیری و ابتکار عمل بالا در اجرای راه‌کنش‌ها، انجام حملات همزمان و عمده در محورهای مختلف برای اعمال غافلگیری، وابستگی شدید یگان‌های رزمی آمریکا به فناوری‌های نظامی، برخورداری از اشراف اطلاعاتی با بهره‌گیری از فناوری‌های دراختیار، قابلیت و توانایی ایجاد اختلال در سیستم‌های فرماندهی و کنترل حریف، توانایی دسترسی سریع به مرکزیت سیاسی و هدف‌های حیاتی کشور هدف، توانایی غافلگیری راهبردی و عملیاتی حریف، قابلیت به کارگیری موشک‌های با سر جنگی هسته‌ای (اورانیوم ضعیف‌شده)، برخورداری از توانمندی‌های سنجش از راه دور و سیستم‌های سنجنده (ماهواره‌ها)، کسب برتری و حاکمیت هوایی و فضایی، تلاش در راستای محدود کردن جنگ و جلوگیری از توسعه آن، توانایی انجام عملیات سایبری علیه تأسیسات زیربنایی کشور حریف، توانایی در اداره جنگ سریع، کوتاه و با عملیات حجیم و ویرانگر، کاهش رده‌های فرماندهی و سرعت در تصمیم‌گیری، تأکید بر حداکثر استفاده از نیروهای مشترک و مرکب، اتکاء بر حملات

قاطع، سریع و پُر حجم هوایی و موشکی، پرهیز از فرسایشی و طولانی شدن جنگ، اجتناب از رزم نزدیک و تمرکز بر نبرد از راه دور، اجرای عملیات تهاجمی مستمر و مداوم شبانه روزی و تلاش برای حفظ دور تک، تلاش در راستای حفظ و استمرار وضعیت آفندی، به کارگیری سلاح و مهمات با دقت، هوشمندی و قدرت تخریبی بالا، پذیرش خطرپذیری بالا با انجام عملیات‌های عمیق و ناپیوسته، اجرای عملیات موشکی در حجم وسیع در ساعات اولیه جنگ، برخورداری از راهبرد تهاجمی و ره‌نامه آفندی.

در پاسخ به پرسش دوم که الگوی رفتاری آمریکا در جنگ علیه عراق و افغانستان چه بوده و آموزه‌های حاصل از این جنگ‌ها برای مواجهه با جنگ احتمالی نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران چه می‌باشد؟، موارد عبارت‌اند از:

- تهاجم نظامی به ج.ا.ا الزماً نیاز به اخذ مجوز از سازمان ملل متحد دارد. - افکار عمومی جهان (به ویژه جهان اسلام) در حمایت از ج.ا.ا و علیه تجاوزان خواهد بود. - مخالفت افکار عمومی جهان، تأثیری جدی در جلوگیری از عملیات نظامی آمریکا علیه ج.ا.ا نخواهد داشت. - حمله به زیرساخت‌های شهری شامل آب، برق، تلفن، گاز و ... به منظور تضعیف اراده ملی و ایجاد ناراضی‌های داخلی و جداسازی مردم از حاکمیت، - عملیات روانی دشمن به منظور همسوسازی افکار عمومی داخلی و خارجی در راستای مشروع سازی تهاجم، - سازماندهی و پشتیبانی اشرار و گروه‌های مسلح مخالف نظام برای درگیر کردن نظام در داخل، - همزمان با عملیات نظامی مراکز هسته‌ای و سامانه‌های فرماندهی و کنترل، سامانه‌های راداری، پدافند هوایی و سامانه‌های موشکی در اولویت اول اهداف هوایی و موشکی خواهند بود، - فعالیت چشمگیر فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام)، از شواهد و قرائن حمله نظامی آمریکا به ج.ا.ا به شمار می‌رود، - اجرای عملیات سنگین هوایی و موشکی علیه اهداف حیاتی و مهم، همراه با اغتشاش و درگیر کردن نظام در یک بحران داخلی خواهد بود، - اشراف اطلاعاتی در عملیات هوایی و موشکی، - عملیات نظامی علیه ج.ا.ا به دلیل شرایط خاص ج.ا.ا در مقایسه با جنگ‌های مشابه، مدت زمان بیشتری را به خود اختصاص داده و در نهایت به بن‌بست نظامی خواهد رسید، - ویژگی‌های منحصربه‌فرد ج.ا.ا موجب شده است تا تهاجم سراسری و به کارگیری نیروی زمینی، با ملاحظات زیادی همراه باشد که تحقق آنها به زمان نسبتاً طولانی نیازمند است و در حال حاضر منتفی است. از آنجایی که حمله به ج.ا.ا



نیازمند تحقق الزاماتی در سطح منطقه و جهان است، بنابراین قابل پیش‌بینی می‌باشد و غافلگیری راهبردی متصور نیست، - آمریکا به‌تنهایی وارد جنگ با ج.ا.ا نخواهد شد و در قالب یک ائتلاف عمل خواهد کرد، - ائتلاف علیه ج.ا.ا، صرفاً کشورهای پیمان ناتو و برخی کشورهای اروپایی را شامل می‌شود، - کشورهای اسلامی و کشورهای همسایه ایران، به صورت رسمی در ائتلاف علیه ج.ا.ا شرکت نخواهند کرد، - آغاز عملیات هوایی آمریکایی‌ها با هواپیماهای راهبردی و عمده عملیات موشکی آمریکایی‌ها نیز دریاپایه می‌باشد، - کشورهای همسایه به صورت رسمی با متجاوزان همکاری نخواهند کرد، اما مهاجمان بدون کسب اجازه از کشورهای همسایه، از فضای این کشورها در عملیات علیه ج.ا.ا استفاده می‌کنند.

در پاسخ به پرسش سوم که ره‌نامه آمریکا در سه جنگ اخیر و آموزه‌های برگرفته از آن چیست؟ آمریکایی‌ها در ره‌نامه عملیاتی خود بر پنج اصل ۱. عملیات غیرخطی، ۲. ابتکار عمل و اقدام پیش‌دستانه، ۳. عملیات در عمق، ۴. چالاکی و تحرک و ۵- هم‌زمان‌سازی توان رزم تکیه کرده‌اند و از روش‌های زیر برای تحقق اجرای این اصول و ره‌نامه استفاده کرده‌اند که به شرح ذیل بدان پرداخته می‌شود.

۱- انجام عملیات‌های غیرخطی وسایل از طریق آینده‌های ناپیوسته در مناطق مناسب و مورد دلخواه خود؛ حداکثر استفاده از فضاهای خالی و بدون ایجاد مقاومت برای ایجاد مناطق و میدان‌های عملیاتی مقدم؛ به هم پیوستن مناطق ناپیوسته رزم از طریق حرکت‌های سریع زمینی در امتداد خطوط مواصلات و در نتیجه سطحی کردن میدان رزم و درهم‌فرورفتگی حرکت‌های آفندی آمریکایی‌ها با شبکه‌های دفاعی کشور هدف و نامشخص‌سازی سمت حملات برای کشور هدف؛ این کار به تثبیت یگان‌های حریف در موضع و عدم توانایی در آزادسازی و جابه‌جایی آنها به مناطق دیگر شده است؛

۲- به هم ریختن نظم دفاعی دشمن از طریق نامنظم‌سازی سمت‌های تهاجم، ایجاد مناطق مستقل رزم در نقاط مختلف، جابه‌جایی‌های لحظه‌ای در سمت‌های تلاش اصلی از طریق تمرکز بخشی به آتش‌های پشتیبانی در هر محور مورد دلخواه، دور زدن نقاط اتکا پدافندی دشمن و هم‌افزایی توان فیزیکی از طریق هم‌زمان‌سازی عملیات روانی با عملیات رزمی در سطح صحنه و خارج از آن؛



۳- حرکت‌های ستونی سریع در امتداد خطوط مواصلات با استفاده از تأمین و پوشش بالگرد و هواپیما در مقابل تک‌های احتمالی جناحی عراقی‌ها، اجتناب از شکل‌دهی به یک خط پدافندی عریض و در نتیجه قابلیت تمرکز آتش پشتیبانی در نوک ستون، درگیر نشدن با مقاومت‌های در مسیر، نزدیک‌سازی سریع واحدهای پیش‌تاز به سمت هدف نهایی، فروپاشی روانی و تدریجی نیروهای باقیمانده دشمن در مسیر و اجتناب از درگیری‌های قطعی برای پایین آوردن نرخ تلفات انسانی و در نتیجه سیال‌سازی محیط جنگ؛

۴- حرکت همزمان پایگاه‌های پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی به مناطق راه‌کنشی (تاکتیکی) رزم و در نتیجه کاهش دید خطوط مواصلات پشتیبانی (این کار با استفاده مؤثر از فرودگاه‌های تصرف‌شده در مسیر انجام شد)؛

۵- کنترل مبادی ورودی و خروجی شهرهای در مسیر برای جلوگیری از اعزام واحدهای رزمی و مردمی سازماندهی‌شده در شهرها و ممانعت از تبدیل شهرها به مرکز سازماندهی مقاومت‌های ملی در عراق؛

۶- عملیات تهاجمی در شهرها به شکل تاخت‌های سریع هوایی و بالگرد زمینی علیه مراکز مقاومت شناخته‌شده و کاهش تدریجی مقاومت‌ها با گشت خانه‌به‌خانه در برخی از شهرها انجام شد.

۷- عملیات‌های هلی‌برن در اعماق طولانی در مناطق و فضای خالی از مقاومت و با پشتیبانی متحرک هوایی طی چهار مرحله شناسایی مقدماتی منطقه و پیاده شدن از طریق عملیات اطلاعاتی.

پیشنهادهای

۱. ارتقاء توان رزم به ویژه در مؤلفه‌های تأثیرگذار در جنگ آینده از جمله پدافند موشکی، توان توسعه (توازن) تهدید، عملیات ویژه، سایبری و ... با هدف ایجاد بازدارندگی باید مورد توجه خاص قرار گیرد؛

۲. به دلیل اینکه مرحله اصلی نبرد آمریکایی‌ها را عملیات هوایی تشکیل می‌دهد، لازم است نسبت به تقویت پدافند هوایی در مراکز حیاتی، حساس، مهم و قابل حفاظت به‌عنوان یک ضرورت اقدام شود؛



۳. با توجه به ویژگی‌های محیطی ج.ا.ا. شاید اصلاً اشغال سرزمین به نفع آمریکایی‌ها نباشد و می‌توانند این وظیفه را به نیروهای واگرای داخلی (نمونه گروه‌های مجاهد افغانی در افغانستان) واگذار کنند، پس لازم است در جنگ آینده، همزمان نسبت به نیروهای واگرای داخلی، کنترل جدی‌تری اعمال شود؛

۴. آمریکایی‌ها با بمباران مراکز اقتصادی و زیرساخت‌های آب، برق، مخابرات و ... امیدوارند ناراضیتی عمومی در بین مردم ایجاد شود و از این ناحیه فشاری متوجه مسئولان امر شود تا ذهنشان را در تصمیم‌گیری تحت تأثیر قرار دهد و در نهایت به رویارویی ملت و حاکمیت منجر شود و با توجه به توان در اختیار خواهند توانست با مداومت در بمباران‌ها و انجام عملیات روانی سنگین به این مقصود نایل آیند. بنابراین توجه ویژه به مقوله «پدافند غیرعامل» یا «دفاع غیرنظامی» به منظور ارتقاء پایداری و آستانه مقاومت ملی از طریق مصون‌سازی و کاهش آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی، حساس و مهم کشور که بتواند در شرایط بحران، مداومت خدمت‌رسانی به مردم را تضمین کند، از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر جنگ آینده می‌باشد؛

۵. توجه ویژه و اساسی به موضوع پدافند غیرعامل برای حفظ توان رزم در معابر وصولی دشمن به خودی و محورهای تهدید و از آن مهم‌تر برای موازی‌سازی خدمات‌رسانی به مردم و کشیدن جنگ به محیط‌های غیرمنتظره و غیرمطلوب آمریکایی‌ها.

منابع

قرآن کریم

امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی»، بیانات معظم‌له، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (حفظ آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «مدظله‌العالی»، ۱۳۸۰/۰۹/۲۵ قابل دسترسی در :

www.Khamenei.ir

احمدی، صادق، مرادیان، محسن، و منزوی بزرگی، جواد (۱۳۹۶). بررسی تهدیدات نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در دهه آینده. مجله پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی. افتخاری، اصغر (۱۳۸۳). اقدام به جنگ؛ تحلیل الگوی تصمیم‌سازی خارجی آمریکا برای حمله به عراق. فصلنامه سیاست دفاعی. ش ۴۸.

افشردی، محمدحسین (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل رهنامه جنگ پیشگیرانه آمریکا در آسیای جنوب غربی. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال یازدهم. ش ۲ (پیاپی ۳۸).

افشردی، محمدحسین، نوروزانی، شهرام، و نوشادی، رضا (۱۳۹۳). کارکرد الگوی بازدارندگی طالبان در جنگ پیشگیرانه آمریکا علیه افغانستان. مجله مطالعات دفاعی استراتژیک. امام‌زاده‌فرد، پرویز (۱۳۸۸). کتاب آمریکا، دکترین امنیت ملی آمریکا: گذشته، حال و چشم‌انداز. تهران: انتشارات ابرار معاصر.

بایمن، دانیل، پالاک، کنت، و رز، گیدیون (۱۳۸۸). سیاست آمریکا در قبال عراق، چهار سناریو. ترجمه مریم ملانظر. فصلنامه سیاست دفاعی. ش ۲۶ و ۲۷.

برژینسکی، زیگنیو (۱۳۷۹). در جست‌وجوی امنیت ملی. ترجمه ابراهیم خلیل‌آبادی. تهران: نشر سفید.

ثقفی عامری، ناصر (۱۳۷۰). استراتژی در فرایند تحول. مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ثقفی عامری، ناصر، و ابتکار (۱۳۷۰). دفاع استراتژیک آمریکا یا جنگ ستارگان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

چوبین، شهرام (۱۳۸۵). سیاست‌های منطقه‌ای و جنگ. ترجمه محمدحسین آریا. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

حسینی، حسین (۱۳۸۳). دکترین شوک و بهت و استراتژی نظامی آمریکا در جنگ با عراق. مجله سیاست دفاعی. سال سیزدهم، ش ۴۹.

دیوسالار، عبدالرسول (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر محیط‌شناسی نظامی و جنگ‌های اطلاعاتی. تهران: دانشگاه صنعتی امیرکبیر مجتمع دانشگاهی آمایش و پدافند غیرعامل.

رستمی سرلردي، علی‌اکبر (۱۳۹۴). تدوین ویژگی‌های جنگ احتمالی آینده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و ارائه راهبردهای نظامی مقابله با آن. رساله دکتری. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

رمضان‌زاده، اکبر (۱۳۸۶). تئوری جنگ‌های آینده. ماهنامه نگاه، سال سوم، ش ۲۷.

روشن، جلال، و محمدیان، علی (۱۳۹۴). بررسی پیمان امنیتی افغانستان و آمریکا و آثار آن بر جمهوری اسلامی ایران. مجله سیاست دفاعی. تهران.

شیرازی، رضا (۱۳۸۶). بررسی اجمالی جنگ‌های خلیج فارس. تهران: صریح.

صالحی، سیدجواد، و فرح‌بخش، عباس (۱۳۹۵). پایگاه‌سازی نظامی در غرب آسیا (غرب آسیا) و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران. مجله سیاست دفاعی. تهران.

قاسمی، علی (۱۳۸۴). افکار، ابزارها و نهادها و دکترین امنیت ملی آمریکا. تهران: انتشارات ابرار معاصر.



کرمی، جهانگیر (۱۳۸۵). درآمدی بر شناخت ارتش آمریکا. تهران: مرکز مطالعات دفاعی و امنیتی دافوس سپاه.

کسینجر، هنری (۱۳۸۳). دیپلماسی آمریکا در قرن بیست و یکم. ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر تهران.

کیا پاشا، ابوطالب (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی جنگ‌های اخیر آمریکا شامل جنگ سال ۱۹۹۱ علیه عراق و جنگ در یوگسلاوی سابق. تهران: معاونت عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

کیسینجر، هنری (۱۳۷۹). دیپلماسی. جلد اول. ترجمه فاطمه سلطانی و دیگران. تهران: انتشارات اطلاعات.

گوهری مقدم، ابوذر (۱۳۹۲). الگوی رفتاری آمریکا در قبال بیداری اسلامی: عمل‌گرایی محتاطانه. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. سال دوم، ش ۶، پیاپی ۳۶.

محمدی‌نجم، سیدحسین (۱۳۸۶). بررسی و مقایسه راهبرد نظامی آمریکا در دو جنگ خلیج فارس. مجله سیاست دفاعی. تهران.

نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵). فرهنگ دفاعی - امنیتی. تهران: انتشارات سنا.

نوشادی، غلامرضا، و دیگران (۱۳۹۲). دکترین جنگ پیش‌گیرانه آمریکا در مناطق پیرامونی ج، ا، ا. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۲). بررسی تطبیقی دو جنگ عراق و آمریکا، مجله نگاه. سال چهارم. ش ۳۸.

یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۹). جنگ پیش‌گیرانه و جنگ پیش‌دستانه؛ گزارش پژوهشی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی وزارت علوم.